



(۲۵)

# تبرئه‌های بنی عباس

تبرئه کردن هارون از تجمل پرستی‌ها و جنایت‌ها و مفاسد اخلاقی ،  
پنداری است که از تعصب خشک سرچشمه گرفته است .



وی می‌نویسد :

... رشید فقط نبیذخر ما مینوشید  
و بنا به مذهب اهل عراق ، نوشیدن نبیذ  
حرام نبوده و فتاوی‌ای آنان در این باره معروف  
است . اما هیچ راهی نیست که رشید را به  
نوشیدن شراب ناب بتوان متهم ساخت ،  
تقلید کردن اخبار نادرست و بی‌پایه به هیچ  
رو روانیست ، چه او کسی نبود که به کار  
حرامی از بزرگترین کبایر در نظر اهل مذهب  
یعنی میخوارگی دست یازد<sup>۱</sup>

این بود یکی دیگر از دفاعیات ا

این خلدون از هارون خلیفه ستمگر عباسی ا

۱- ترجمه فارسی مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۳۲

بمناسبت بررسی زندگانی پیشوای

هفتم ، سخن از تجمل پرستی‌ها و میخوارگی‌های  
هارون ، و تبرئه وی از شرابخواری ، بوسيله  
ابن خلدون بود . ابن خلدون میخوارگی  
هارون را از معجزات تاریخ معرفی نموده  
مورخان را متهم می‌کند که بی جهت نسبت  
شرابخواری به وی داده اند . آنگاه در این  
زمینه دلیلی می‌آورد که در بحثهای پیش ،  
با استناد به شواهد تاریخی ، بی‌پایگی آنها  
روشن گردید .

اکنون در پایان این بحث ، به بررسی

یکی دیگر از توجیهات سست ابن خلدون در  
پاکسازی هارون می‌پردازیم :

متاسفانه افراد فرصت طلب و بهانه‌جو، غالباً برای سرپوش گذاشتن بر روی اعمال ناروای خود، از "استثنا"ها و "تبصره"ها و موارد اختلافی" استفاده نموده از این رهگذر، عمل خود را مطابق قانون و مشروع جلوه می‌دهند

بنابراین اگر خود هارون از ایسن دستاویزها برای توجیه اعمال خویش استفاده می‌کرد، جای تعجب نبود، اما تعجب‌آز دانشمندی مثل ابن‌خلدون است که با استفاده از این روش نامطلوب، می‌خواهد میخوارگی هارون را توجیه نموده آن را مشروع و حلال قلمداد کند، در صورتی که اگر فقهای عراق (اهل تسنن)، "نبیذ" را حلال بدانند، فقهای شیعه که پیروان خاندان رسالتند، و فقه‌آنان متکی به علوم اهل بیت پیامبر (ص) می‌باشد، نبیذ را در حکم شراب می‌دانند و به حرمت قطعی آن فتوی داده اند<sup>۲</sup>

از این گذشته در تاریخ هرجا سخن از شرابخواری هارون به میان آمده نامی

از نبیذ برده نشده است، بلکه مورخان، مجالس بزم و شرب او را بدون اینکه نامی از نبیذ در میان باشد، توصیف کرده‌اند که چند نمونه آن ذیلاً از کتاب الاغانی نقل می‌گردد:

۱- روزی هارون به ابراهیم موصلی آوازه خوان معروف دربار خویش خشمگین شد و دستور داد او را سه‌روز بازداشت کردند. اتفاقاً هارون در یکی از آن روزها، بساط شرب برپا کرد و بزم را بیاراست، و سپس از یکی از حضار پرسید:

آیا این مجلس ما عیبی دارد؟  
وی پاسخ داد: آری، جای ابراهیم موصلی خالی است!

هارون دستور داد ابراهیم را از زندان آزاد نموده به مجلس آوردند و عودی دست او دادند، ابراهیم بدستور هارون شروع به خواندن کرد، هارون از وی خواست تکرار کند او نیز اطاعت کرد، هارون شراب خورد و به طرب آمد و به ابراهیم جایزه داد<sup>۳</sup>

۲- هارون در جریان سفر به طوس،

۲- از آن جمله مرحوم شهید ثانی در کتاب "مسالک" در بحث "اطعمه و اشربه" پس از بیان حرمت شراب، چنین می‌نویسد:

هر مست کننده‌ای، از نظر حرمت، در حکم شراب است، زیرا پیامبر (ص) فرمود: هر نوشیدنی که مستی آورد، حرام است. و نیز فرمود "هر مایع مستی‌آوری خمر (شراب) است و هر خمری حرام می‌باشد.

مرحوم شهید سپس دو حدیث صحیح از امام هفتم و امام صادق (ع) نقل می‌کند که ترجمه آنها چنین است:

۱- خداوند شراب را بخاطر اسم آن تحریم نکرده، بلکه بخاطر عواقب بد، و مفاسدی که دارد، تحریم نموده است، پس هر چه عواقب شراب را بدنبال دارد، آن نیز حرام است.

۲- پیامبر اسلام (ص) فرمود شرابی که از انگور، کشمش، عسل، جو، و خرما گرفته شود حرام است.

۳- ج ۵ ص ۱۵۲

مانعی دانیم این خلدون از کجای این عبارتها  
و امثال آن فهمیده است که جامی که هارون  
سرمی کشیده، جام "می ناب" نبوده بلکه  
"نمبذ خرما" بوده است؟!

آیا این کشتارها از واجبات خلافت بود؟!

اکنون جای این سؤال باقی است که  
فرض کنیم هارون هرگز لب به "شراب" نمی زده  
و چون مردی با ایمان! و خداشناس! بوده،  
از نمبذ خرما استفاده می کرده است! ولی آیا  
قتل و جنایتهای هارون را چگونه می توان  
توجیه کرد؟ آیا ریختن خون فرزندان پاک  
اسلام و کشتار بیرحمانه بازماندگان پیامبر  
(ص) را بدستور هارون چگونه می توان توجیه  
کرد؟

این خلدون می گوید "هارون کسی  
است که به تمام واجبات منصب خلافت از  
قبیل دینداری و عدالت، قیام می کرده... ۸"  
آیا آنهمه خونهای پاک که هارون  
ریخت، همه از واجبات منصب خلافت! و از  
باب اجرای عدالت بود؟

هارون برای کوبیدن بنی هاشم  
حتی اصول اولیه حقوق انسانی را زیر پا  
می گذاشت و به تمام تعهدات اخلاقی و انسانی  
پشت پا می زد. در اثر فشارها و تزییقات وی

۴-۵ - مدرک گذشته ص ۱۵۵ و ۱۸۲

۶ - جلد ۶ ص ۱۷۴

۷ - جلد ۶ ص ۱۱۷

۸ - مقدمه ترجمه فارسی ج ۱ ص ۳۰

هنگامی که در منزلی بنام "شیدار" فرود آمد،  
مجلس شرب تشکیل داد<sup>۴</sup>

۳- هارون هنگامی که به خلافت  
رسید، پس از فراغت از ترتیب امور و هدور  
دستورها و فرمانها، برای شرب نشست... ۵

۴- یحیی مکی یکی از آوازه خوانهای  
دربار هارون می گوید: روزی هارون مرا احضار  
کرد، وقتی وارد شدم دیدم روی تختی نشسته  
است، گفت یحیی بخوان! من شروع به  
خواندن کردم، هرچه من می خواندم، او جام  
را سرمی کشید، آن روز تا شب بدین منوال  
گذشت و من شمردم، هارون آن روز ده جام  
شراب نوشید<sup>۶</sup>

۵- باز یحیی مکی می گوید: روزی  
"ابن جامع" آوازی برای هارون خواند، او  
بسیار پسندید و چندین بار از ابن جامع  
خواست تکرار کند، و بخاطر صدای اودستور  
داد همه آوازه خوانها ساکت باشند، هرچه  
ابن جامع می خواند، هارون با عشق و علاقه  
گوش می کرد و شراب می خورد... و در پایان  
مجلس، ده هزار درهم و ده انگشتر قیمتی و  
ده دست لباس به او خلعت داد<sup>۷</sup>

این چند نمونه که از صحنه بزم و  
شرب هارون نقل شد، همه حاکی از شرب خواری  
هارون است و هر خواننده منصف و بی غرضی  
از این عبارتها، میخوارگی هارون را میفهمد،  
زیرا عموماً با واژه "شرب" (نوشید) یا  
مشقات آن نقل شده است، و چنین نوشیدنی  
در چنان مجالسی، با شراب سازگار است، و

از پشت دیوار با من گفتگو می‌کرد، روزی به من گفت: امروز ۹ روز است که آب و غذا به من نداده‌اند!

فردای آن روز مامور ویژه یحیی وارد زندان شد، و سلول او را واریسی کرد، سپس لباسهای او را از تنش درآورد، در این هنگام چشمش به لوله‌ای از نی افتاد که یحیی آن را زیر لباسها پنهان کرده بود، و از روغنی که داخل آن کرده بود، می‌مکید تا از گرسنگی هلاک نشود. وقتی که مامور، نی را از او گرفت، یحیی با وضع دلخراشی جان سپرد.<sup>۹</sup>

آیا قتل یحیی و صدها امثال او از واجبات منصب خلافت بود و هارون آنها را از باب قیام به عدالت کشته است؟!



۹- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۴۵

"یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن" که از شخصیت‌های پاک و برجسته بود، به سوی خراسان فرار کرد و به منطقه دیلم رفت، هارون به حاکم دیلم دستور موکد صادر کرد که به هر قیمتی است یحیی را دستگیر نموده به بغداد بفرستد، و اگر هیچ راهی برای دستگیری او نباشد، به او امان دهد. حاکم دیلم به یحیی امان داد، او وقتی امان را دید، خود را تسلیم کرد و حاکم او را روانه بغداد ساخت هارون او را زندانی نمود، یحیی بقدری در زندان ماند تا سرانجام در زندان جان سپرد و از دست هارون و دژخیمان او راحت شد!

می‌گویند: علت مرگ او این بود که چندین روز آب و غذا به او ندادند تا سرانجام از گرسنگی مرد!

یکی از کسانی که با یحیی در یک زندان بوده می‌گوید: سلول من و یحیی را یک دیوار کوتاه از هم جدا می‌کرد، او گاهی

### بقیه گرسنگی نه، امنیت بلی

و اکنون بنگرید که قرآن عقیده دارد ملت‌ها بجز آب و نان به امنیت نیاز ندارند جالب این است که امنیت را که اسلام می‌خواهد تنها امنیت جانی و مالی نیست اسلام علاوه بر امنیت جانی و مالی امنیت فکری و عقیدتی، امنیت سیاسی، امنیت عرضی و ناموسی نیز تأمین می‌کند که در هیچ کجای دنیا نیز سابقه ندارد و اگر احیاناً از مردمی بعلت جنایت و خیانت سلب امنیت می‌کند با محاکمه است و در محضر قاضی عادل و آنهم صریح و روشن!

دنباله دارد